

# کودکان در مورد خداوند و عبادت او چگونه می‌اندیشند؟

مجید مهرمحمدی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

واحد بهبهان - گروه راهنمایی و مشاوره

در دهه ۱۹۶۰، رونالد گلدمن<sup>۱</sup> پژوهش‌های زیادی در زمینه رشد و تحول دینی کودکان انجام داد. اولین کتاب وی به نام «تفکر دینی از کودکی تا بلوغ»، در سال ۱۹۶۴ و کتاب دوم او به نام «آمادگی برای دین» در سال ۱۹۶۵ به چاپ رسید. در این دو کتاب کوشش شده است که تحول اندیشه دینی برای آموزش مبانی دینی از طریق معلمان مورد بررسی قرار گیرد. گلدمن دریافت که توانایی کودکان در فهم دینی مرحله‌ای دارد. او با الهام از دیدگاه ژان پیاژه، مراحل زیر را در تحول فکر مذهبی مطرح کرد:

الف - دوره تفکر مذهبی شهودی تا ۷ - ۸ سالگی.

ب - دوره تفکر مذهبی عینی، از ۸ - ۷ سالگی تا ۱۴ - ۱۳ سالگی.

ج - دوره تفکر انتزاعی، از ۱۴ - ۱۳ سالگی به بعد. (باهر، ۱۳۷۸).

نتایج تحقیقات هارمز<sup>۲</sup> که در مورد ۴۸۰۰۰ نفر از کودکان ۳ تا ۶ ساله و ۱۲ سال به بالا، براساس تحلیل نقاشی انجام شده است، سه دوره رشد (تحول) دینی را در کودکان مشخص می‌کند. این سه دوره عبارت‌اند از:

الف - دوره دینی داستان‌های پریان، از ۳ تا ۶ سالگی.

ب - دوره واقعی، از ۷ تا ۱۲ سالگی.

ج - دوره فردی، از ۱۲ سالگی به بعد.

کودکان در مرحله اول، خدا را به عنوان یک پادشاه و سلطان تصور می‌کنند. آنان می‌پندارند که خداوند در خانه‌ای شبیه ابر یا ابری به شکل حیوان و شناور در آسمان‌ها زندگی می‌کند. برای کودکان زیر ۶ سال خدا موجودی خیالی و غول بزرگ است، با این تفاوت که او بزرگ‌تر و عظیم‌تر است و کودکان از او می‌ترسند. در مرحله دوم (واقعی) کودکان واقع



و سجده انجام می‌دهد. این رکوع و سجده، ظاهری و فاقد معناست، ولی در نگرش کودک تأثیر می‌گذارد. مرحله دوم (حسی - عاطفی)، مرحله گرایش عاطفی نسبت به نماز است. در این مرحله، خضوع و خشوع والدین هنگام برپاداشتن نماز، به وسیله کودک درونی می‌شود. مرحله سوم (عقلانی و برهانی)، مصادف با دوره تفکر انتزاعی است. در این مرحله نوجوان نماز را براساس استدلال، منطقی و عقلانیت می‌پذیرد.



در این مرحله نمادها جایگزین اشیا می‌شوند. در دوره واقعی، خداوند به عنوان یک پدر، در کنار فرشته‌ها و موجودات مقدس در هیأت پوشیده و سرری نمایش داده نمی‌شود، بلکه با ترکیب یک انسان در زندگی واقعی تصور می‌گردد. در مرحله سوم (فردی)، کودکان از دین و مذهب عناصری را انتخاب می‌کنند که نیازهایشان را ارضا می‌کنند. (باهنر، ۱۳۷۸).

براساس دیدگاه برخی روان‌شناسان، تحول رفتار دینی مشتمل بر مراحل زیر است:

- ۱- مرحله رفتاری و تقلیدی (قبل از ۶ - ۵ سالگی یا قبل از دبستان)
  - ۲- مرحله حسی - عاطفی (۶ تا ۱۱ سالگی)
  - ۳- مرحله عقلانی و برهانی (دوران نوجوانی و تفکر انتزاعی، حدود ۱۱ تا ۱۶ سالگی)
  - ۴- مرحله عرفانی و شهودی (در جوانی و بزرگسالی، از ۱۶ تا ۲۵ سالگی)
- در مرحله اول (رفتاری و تقلیدی)، کودکان اعمال ظاهری والدین را تقلید می‌کنند. برای مثال، زمانی که مادر نماز می‌خواند، کودک نیز مثل مادر به نماز می‌ایستد و نماز می‌خواند یا مثل والدین رکوع

تالیف: دکتر سید علی حسینی

مرحله چهارم (عرفانی - شهودی)، به تعبیر موريس دبس و اريكسون، دوره شكوفایی مذهب و بينش عرفانی است. در اين دوره، علاوه بر استدلال شناختی، تجربه وجودی و شهود قلبی در مورد نماز ظاهر می شود. (كريمی، ۱۳۸۳).

برخی متخصصان علوم تربیتی، بر مبنای نقش مربی، مراحل تربیت دینی را به شرح زیر توصیف می کنند:

۱- مرحله انس دینی: این مرحله شامل سال های اولیه زندگی است. نقش والدین و مربیان در شکل گیری مرحله انس دینی بسیار مهم است. در این مرحله، کودکان به رفتارهای الگوهای تربیتی توجه می کنند. کودکان، ارتباط والدین و مربیان با خداوند و نحوه توجه به او، رعایت دستورهای دینی و شکل انجام فرائض دینی را می بینند.

۲- مرحله عادت دینی: در دوران دبستان، عادات متعدد در کودکان شکل می گیرد، مثل عادت به نماز خواندن و مسجد رفتن.

۳- مرحله معرفت دینی: تفکر مذهبی به سبب رشد تفکر انتزاعی، در دوران راهنمایی شکل می گیرد. در این سن نوجوان در جهت فهم عادات دینی و تعالیم مذهبی تلاش می کند.

۴- مرحله شاکله دینی: اگر مراحل قبل به نحوی شکل گیرد، در فرد شخصیت دینی به وجود می آید. در این دوره تمامی سخنان، رفتار و کردار فرد با دستورهای دینی هماهنگی و همخوانی دارد.

۵- مرحله خود جوشی دینی: در این مرحله فرد به دنبال عشق الهی می گردد، رفتار او در جهت اهداف دینی قرار می گیرد و به سادگی تحت تأثیر شرایط بیرونی واقع نمی شود. (سعادت مند، ۱۳۸۰) به عبارتی، در این مرحله فرد به یک نظام ارزشی مستحکم می رسد که درونی شده است.

کودکان از سه سالگی به بعد علاقه زیادی به دعا و سرودهای مذهبی پیدا می کنند. از ۴ سالگی به بعد کنجکاو



پژوهش در زمینه های انسانی و مطالعات فرهنگی

تالیفات علمی

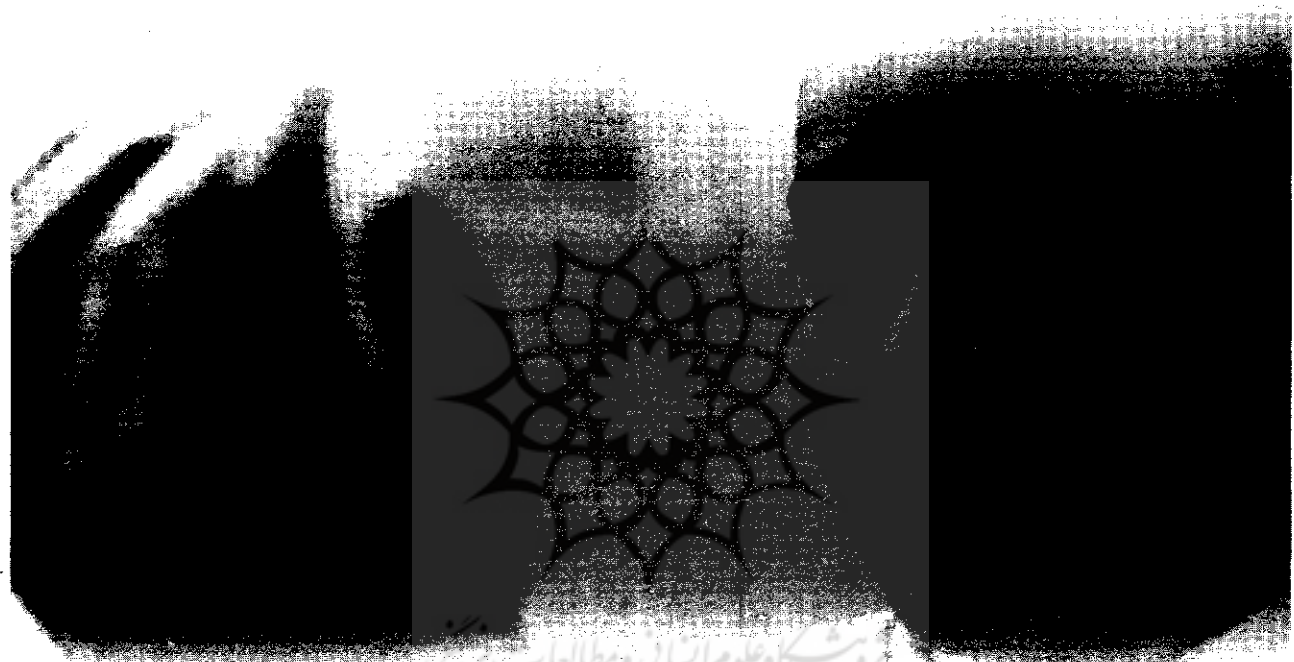
تعمیر مکانی و فرهنگی  
تعمیر فرهنگی  
تعمیر اجتماعی  
تعمیر اقتصادی  
تعمیر سیاسی  
تعمیر نظامی  
تعمیر نظامی



تصور کودکان زیر ۷ - ۸ سال از خدا بسیار خام، مادی و شبیه انسان است. به نظر آنان خدا صدایی دارد شبیه ما، در بهشتی سکونت می‌کند که در آسمان‌هاست و مثل یک انسان به رتق و فتق امور می‌پردازد. (باهنر، ۱۳۷۸).

پژوهش نادری و سیف نراقی (۱۳۷۲) بر روی کودکان ۳ تا ۶ ساله نشان می‌دهد که آن‌ها سوالات مربوط به خدا را درست درک نکرده، یا تصویری مادی از خدا دارند. کودکان در این سنین، خدا را قابل رؤیت و قابل تشبیه به انسان می‌دانند. شاید یکی از عللی که کودکان را به سوی ماده‌انگاری خدا در دوران کودکی سوق می‌دهد، الفاظی است که در معارف دینی

سراسر وجود کودک را فرا می‌گیرد و این امر منجر به خداجویی و قبول خدا خواهد شد. در این سنین تلقی کودک از خدا این است که او مثل پدر نماد قدرت است و حتی خدا را عضوی از اعضای خانواده می‌داند. از ۶ سالگی به بعد ارتباط کودک با خدا به صورت حرف زدن و درخواست کردن از نوع مادی است. کودکان قبل از ۷ سالگی، برای خدا مکان خاصی مثل آسمان‌ها قائل‌اند. از ۴ تا ۶ سالگی کودکان مجذوب قدرت خدا شده، در شگفت می‌شوند که خداوند چه‌ها می‌کند. از ۵ سالگی به بعد سوالاتی مبنی بر این که خدا چه شکلی است، کجاست، چرا او را نمی‌بینیم، می‌پرسد. از



متداول است. از جمله این الفاظ و واژه‌ها می‌توان به این که خدا دست دارد، صحبت می‌کند، بر تخت تکیه می‌زند، امر و نهی می‌کند و به اعمال ما می‌نگرد، اشاره کرد. (باهنر، ۱۳۷۸).

ضرب‌المثل‌ها، کنایات، استعاره‌ها، اسامی ایرانی و اسلامی ما به نوعی نگرش ماده‌انگارانه از خدا را در کودکان تقویت می‌کنند، از جمله این موارد می‌توان به اسامی: یدالله (دست خدا)، سیف‌الله، امرالله و ضرب‌المثل‌هایی مثل: «دست خدا به همراهت» و غیره اشاره کرد. کودکان براساس فطرت خداجویشان دائماً از والدین در مورد خلقت و آفرینش سؤال می‌کنند. این سوالات به این سبب است که می‌خواهند تعبیر روشن و قانع‌کننده‌ای در مورد جهان آخرت پیدا کنند. (کلانتری، ۱۳۸۳).

۶ سالگی در پی کشف منابع قدرت می‌گردد. در این سن، او تصور می‌کند که خدا مثل پدر موجودی قدرتمند است. در کل، مفهوم خدا و صفات او تا ۶ سالگی برای کودک ریشه‌دار نیست. از ۷ سالگی به بعد خدا را قدرتمندی می‌بیند که ارزش زیادی دارد و ارزش او از والدین هم بالاتر است. کودکان در این سنین، برخی صفات خدا را درک می‌کنند، اما صفاتی مثل ابدی و ازلی بودن خداوند را هنوز درک نمی‌کنند. (همت یار، ۱۳۸۱).

تحول ذهنی کودکان طوری است که قبل از ۷ سالگی به همراه والدین مشغول اقامه نماز می‌شوند. آن‌ها ممکن است در وسط نماز به دنبال سوسکی به راه بیفتند، یا با دیدن شیرینی و شکلات حرکت کنند تا آن را به دست آورند. (باهنر، ۱۳۷۸).

علاقه به مذهب در ۴ تا ۷ سالگی نمایان می‌شود. دنیای کودکان (در فرهنگ ما) پر از احترام به خدا، عشق و محبت به خدا و ستایش و نیایش اوست. کودک دوست دارد نماز بخواند و حتی روزه بگیرد، که این خود پلی است برای ورود به دنیای نماز. کودک از ۸ - ۶ سالگی با خدا حرف می‌زند، از او درخواست می‌کند و توقع بهشت دارد. کودک در این سنین، خدا را مثل یک پدر مهربان می‌شناسد. (قائمی، ۱۳۷۷).

کودکان ۶ ساله به موضوعات مذهبی علاقه‌مند می‌شوند. آن‌ها عاشق دعا، نماز و نیایش‌اند و دوست دارند برای آن‌ها داستان‌هایی در مورد خدا و پیامبران گفته شود. کودکان ۷ ساله نسبت به ۶ ساله‌ها، بیش‌تر خواهان اثبات وجود خدا هستند. این کودکان، بر خلاف کودکان یک سال قبل، سؤالاتی مطرح می‌کنند، مثل این که: آیا خدا همه چیز را می‌بیند و همه جا حضور دارد؟ چرا انسان‌ها به بهشت می‌روند، و چرا باز نمی‌گردند؟ و آیا بهشت زیباست؟ (ایلگ و همکاران، ۱۳۷۵)

ماهیت مادی خداوند برای کودکان ۱۲ - ۷ ساله هم‌چنان باقی است. از ۱۲ سالگی به بعد، شناخت غیرمادی از خدا مطرح می‌شود. (همت‌یار، ۱۳۸۱).

پژوهش نادری و سیف‌نراقی (۱۳۷۲) نشان می‌دهد که کودکان ۹ - ۶ ساله از خدا تصویری مادی دارند، اما او را انسانی فوق‌العاده (از نور، شعله، آتش) تصور می‌کنند. کودکان ۱۲ - ۹ ساله تفکرشان به تفکر انتزاعی نزدیک‌تر است و می‌فهمند که خدا همه جا هست. این پژوهش با تحقیقات گلدمن، در زمینه فهم و درک کودکان در مورد خداوند، همخوانی دارد.

در مورد علاقه به مکان‌های مذهبی، پژوهش گلدمن (به نقل از باهنر، ۱۳۷۸) نشان می‌دهد که «کودکان تا قبل از ۱۰ سالگی، نسبت به کودکان بزرگ‌تر، از مکان‌هایی مثل کلیسا، مسجد و حسینیه کم‌تر لذت می‌برند. یکی از علل عدم علاقه کودکان زیر ۱۰ سال به این مراکز، خستگی‌های بدنی ناشی از نشستن یا ایستادن‌های طولانی است که برای آن‌ها رنج‌آور است.»

بی‌علاقگی کودکان نسبت به مکان‌های مذهبی، در ۸ سالگی به اوج خود می‌رسد، به طوری که بسیاری از آنان از گوش دادن به سخنرانی‌ها و دعاها و شرکت در مراسم عبادی طولانی اظهار ناراحتی می‌کنند. به همین سبب اگر مایلیم که کودکان زیر ۱۰ سال به مراسم مذهبی و مکان‌های مقدس مذهبی علاقه‌مند شوند، باید از مجبور کردن آنان به شرکت

در مراسم طولانی عبادی خودداری کنیم. (باهنر، ۱۳۷۸)

درکل، کودکان تا زمانی که به دوره بزرگسالی منتقل نشده‌اند، بهترین و مساعدترین شرایط برای پرورش حس دینی، باورها و اعتقادات مذهبی را دارند. (کریمی، ۱۳۸۲)

در مجموع می‌توان گفت که تفکر کودک در مورد خداوند و عبادت، با توجه به تحول شناختی او که متأثر از تعامل رسش عصبی و عوامل محیطی است، در ابتدا به شکل مادی نمود پیدا می‌کند و در سنین نوجوانی شکل انتزاعی به خود می‌گیرد.

### پی‌نوشت‌ها:

- 1- GOLDMAN, RONALD
- 2- HERMES

### فهرست منابع:

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- ایلگ، فرانسس؛ بیکر، سیدنی؛ و باتس آمز، لوئیس (۱۳۷۵): رفتار کودک، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران، انتشارات شباهنک.
- باهنر، ناصر (۱۳۷۸): آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌المللی سازمان تبلیغات اسلامی.
- سعادت‌مند، زهره (۱۳۸۰): رهنمود تربیتی برای اولیا و مربیان، اصفهان، انتشارات فاصد سحر.
- سیف، سوسن؛ کدیور، پروین؛ کوه‌نوری، رضا، و لطف‌آبادی، حسین (۱۳۷۳): روان‌شناسی رشد، تهران، انتشارات سمت.
- قائمی، علی (۱۳۷۷): نماز در دوران کودکی، مجموعه سخنرانی‌های نماز و تربیت، دفتر دوم (صص ۱۱۷ - ۱۰۱)، تهران، ستاد اقامه نماز.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۲): نکته‌های روان‌شناختی در تربیت دینی فرزندان (نماز و خانواده)، تهران، ستاد اقامه نماز و احیای زکات.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۲): نکته‌های روان‌شناختی در تربیت دینی فرزندان (نماز و مدرسه ۲)، تهران، ستاد اقامه نماز و احیای زکات.
- کلانتری، مهرداد (۱۳۸۳): دین و سلامت روان، پازتاب، ۱۰، ۲۱ - ۱۷.
- نادری، عزت‌الله؛ و سیف‌نراقی، مریم (۱۳۷۲): چگونگی پاسخ‌گویی کودکان ۱۲ - ۳ ساله تهرانی به سؤالاتی درباره مفهوم خدا. فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱، ۳۶.
- همت‌یار، (۱۳۸۱): تربیت مذهبی کودکان، نماز و درس‌های خانواده، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.